



رگ بُران است. رگ روشنایی را می بُرند. حمام فین کاشان نیست که گودگاه رگ بران امیر کبیر باشد. دانشگاه است. دانشگاه امیر کبیر. بیستم دی ماه هزار و دویست و شصت و هشت نیست. همه ی روزهای اسفند هزار و سیصد و هشتاد و هفت است. اما حاج علی خان مراغه ای این جاست. دانشگاه پر است از حاج علی خان مراغه ای و همه از آقا نامه دارند و همه در انجام این ماموریت بین الاقران مفتخر و به مرحام خسروانی مستظهر، تارگ های امیر کبیر را ببرند.

محمود کویر

امیر کبیر

پنجه، پنجه ی شب
کاکل، کاکل خورشید.
کف کف
کف به لب گفتار
پرپر
پرپر کبوتر.
هجوم دشنه و دشنام
حضور نفرت و نفرین
بازار تازیانه و تازی.
و جر جر خنجر
و قو قوی چاقو
گیسوی هدهد و گلوی قناری.
و پیله های ابریشم
پاره پاره پاره
تاآسمان همه پر
پرواز. پروانه .
هلا! هلله ی نور
بر هلاهل خفاش های کور.

<http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=2369>